

باب الطلاق

1_ تعریف طلاق (هوازاله قید النکاح بغير عوض بصيغه طالق): از بین بردن قید نکاح بدون عوض با صیغه ی طالق

2_ عوامل تشکیل دهنده طلاق عبارت است از الف_الصيغه ب_المطلق ج_المطلقة

3_ طلاق اخرس (لال) با الف_ الاشاره ب_ القاء القناع علی راسها (انداختن روسری بر سرزن)

4_ (لايقع الطلاق بالكتب من دون تلفظ ممن يحسنه) طلاق برای کسی که قادر به تلفظ است، با نوشتن واقع نمی شود

5_ طلاق نباید بر شرط یا صفت باشد لذا اگر معلق باشد آن طلاق باطل است .

و شرط آن است که احتمال وقوع و عدم آن مساوی است اما صفت آن است که وقوع آن قطعی است.

6_ (ولو فسر الطلقة بازید من واحده لغی التفسیر) تفسیر طلاق به بیش از یک مرتبه لغو است یعنی نمی توان با یک لفظ چندبار طلاق دادن را قصد کرد و اگر فردی این کار را کند از میان طلاق ها فقط یک طلاق واقع می شود.

7_ طلاق مجنون و طلاق صبی صحیح نیست البته ولی میتواند در صورت که به مصلحت مجنون دائمی باشد او را طلاق دهد و یا بچه بالغ شود ولی عقلش فاسد باشد ولی می تواند او را طلاق دهد.

8_ ولی نمی تواند شخص مست ، بچه ، بی هوش و کسی را که داروی خواب آور خورده است و مجنونی که جنونش ادواری است را طلاق دهد.

9_ (يجوز توکیل الزوجه فی طلاق نفسها و غيرها) مرد می تواند زن را در طلاق خودش یا دیگری وکیل کند .

تست: با توجه به عبارت (و لو فسر الطلقة بازید من واحده لغی التفسیر) کدام گزینه صحیح است؟



1) اگر زوج بگوید (انت طالق ثلاثا) فقط یک طلاق جاری می شود

2) اگر زوج بگوید (انت طالق ثلاثا) طلاق کلا فاسد است

3) چون این طلاق بدعی است حتی یک طلاق هم محقق نمی شود

4) چون این طلاق حرام است حتی یک طلاق هم محقق نمی شود

10_ طلاق فرد اکراه شده واقع نمی شود و برای تحقق اکراه سه شرط لازم است :

الف_ اگر شخص اکراه شده تهدید شود به عملی که با توجه به وضعیت او به زیان او و یا کسی است که در حکم اوست مانند اعضای خانواده

ب_ در صورتی که تهدید کننده قادر به انجام آنچه که تهدید کرده است باشد

ج_ علم یا گمان باشد که اگر موضوع تهدید انجام نشود شخص اکراه کننده آن کار را عملی میکند.

11_ طلاق دادن زن در ایام حیض و نفاس جایز نیست مگر به یکی از شرایط زیر:

الف) به زن طلاق داده شده دخول نشده باشد

ب) زن باردار باشد

ج) زوج او غایب باشد

طلاق های حرام

1) (هو طلاق الحائض ..) طلاق زن حائض و نفسا

2) (فی طهر جامعها ..) در ایام پاکی که نزدیکی رخ داده باشد

3) (و الثلاث من غیر رجعه) یعنی سه بار طلاق دادن بدون رجوع کردن

طلاق مکروه

(هو الطلاق مع التئام الاخلاق) طلاق گرفتن زن و شوهر در حالی که اخلاقتان مثل هم است.

طلاق واجب

1_ طلاق المولی: طلاق ایلا کننده

2_ طلاق المظاهر

طلاق سنت (مستحب)

1_ (طلاق مع الشقاق بينهما و عدم رجاء الاجتماع و الخوف من الوقوع فى المعصيه) طلاقى را گویند که بین زن و شوهر اختلاف باشد و امید به برگشتن هم نباشد و ترس از وقوع در معصیت باشد.

2_ طلاق سنت بر دو قسم است :

الف) (به معنی اعم) که به آن طلاق بائن، رجعی و عددی گویند

ب) (به معنی اخص) که زن را براساس شرایط طلاق دهد و بعد او را ترک کند تا از عده بیرون آید و دوباره او را به عقد خودش درآورد .

3_ افضل ترین طلاق ها طلاق سنت به معنای خاص است که زن هیچ وقت بر مرد حرام نمی شود.

تست : الطلاق السنی بالمعنى الاعم ينقسم الى ثلاثة اقسام :

(2)بائن و رجعی و عدی

(1)بدعی و جایز و حرام

(4)مکروه و واجب و حرام

(3)مکروه و واجب و بدعی

تست:افضل الطلاق

(2)طلاق الخلع

(1)طلاق مباراه

(4)طلاق السنه بالمعنى الاخص

(3)طلاق العدی

4_ طلاق بائن : حق رجوع ابتدایی برای شوهر در آن نیست بر چند قسم است

الف) غیر مدخول بها (ب) الیائسه (ج) الصغیره (د) المختلعه

نکته : در طلاق بائن (منظور طلاق های باینی که عده دارند) برای زن حق نفقه ای نیست مگر آنکه زن حامله باشد که در این صورت باید به زن نفقه و حق سکونت داد.

س) المباراه ش) المطلقه ثالثه بعد رجعتین

که از میان اینها زن غیر مدخول بها، یائسه و صغیره اصلا عده ندارد پس مرد به هیچ وجه حق رجوع ندارد.

5_ طلاق عدی یعنی زن را طلاق دهد بعد در زمان عده به او رجوع کند و بعد نزدیکی کند و بعد در پاکی دیگر او را طلاق دهد.

6_ طلاق رجعی یعنی مرد در آن حق رجوع دارد.

رجوع مرد

- 1_ انکار طلاق توسط شوهر به منزله رجوع است.
- 2_ رجوع فرد لال با اشاره و برداشتن روسری از سر زن اتفاق می افتد.

عده

- (هی مده تتربص المراه لتعرف براءه رحمها من الحمل ،او تعبدا)
- 1_ مدتی را گویند که زن باید صبر کند تا مطمئن شود که رحم او از حمل خالی است یا با اینکه می داند اما باید صبر کند .
 - 2_ ایام عده در زمانی که محتمل است یعنی اقل آنکه 26 روز و دولحظه است .
 - 3_ عده وفات(اربعه اشهر و عشره ایام) چهارماه و ده روز است و در زن کنیز نصف زن آزاد است.
 - 4_ ذات الاقراء (مستقیم الحيض) یعنی کسی که حیض او متعارف است و مدت زمان عده او سه پاکی است و زن ذات المشهور زنی است که در سن حیض شونندگان قرار دارد ولی حیض نمی شود.
 - 5_ زنی که شوهرش مفقود است باید عده وفات نگه دارد.
 - 6_ دادن نفقه بر زن در زمان عده رجعی در صورت عدم نشوز زن، حال قبل از طلاق و حال در زمان عده واجب است (و يجب الانفاق على الزوجه فى العده الرجعية كما كان فى صلب النكاح)
 - 7_ عده زن حامله اگر شوهرش زنده باشد به وضع حمل است و اگر شوهرش مرده باشد به بیشترین مقدار از وضع حمل و عده وفات است که چهارماه و ده روز می باشد.
- تست: از عبارت زیر کدام مورد استفاده میشود ؟
- رجعه الاخرس بالاشاره و اخذ القناع عن راسها لان وضعه عليه اشاره الى الطلاق وضعه العلامة علامه الضد

- 1_ طلاق توسط لال با گذاشتن روسری بر سر زنش و رجوع با برداشتن روسری
- 2_ طلاق زوجه لال با گذاشتن روسری بر سر زنش و رجوع با برداشتن روسری از سرش
- 3_ طلاق زوجه لال با گذاشتن روسری بر سر زنش و رجوع با گذاشتن روسری بر سرش
- 4_ طلاق توسط لال با گذاشتن روسری بر سر زنش و رجوع با گذاشتن روسری بر سرش

تست: وعده الحامل فى المتوفى عنها زوجها..

2_ ابعدا الاجلین

1_ ثلاثه اشهر

4_ ثلاثه قروء

3_ وضع الحمل

((لغات باب طلاق))

الإشهادُ : شاهد گرفتن علی رأسها : بر سر زدن فسّر : تفسیر کند

لغا : لغو است السّاهی : غافل النائم : خواب

السكران : مست التوكيل : وکیل گرفتن حائلاً : باردار نباشد

زوجها معها : شوهرش نزد وی باشد الطّهر : پاکی

الدوامُ : دائمی بودن لا یقعُ : باطل میباشند (واقع نمیشود) شقاق : اختلاف

واحدةُ : یک طلاق واقع میگردد فی البدل : عوض رجعتین : دو مرتبه رجوع

أزیدَ : بیشتر وطاً : با زن نزدیکی کرده باشد طلقَ : طلاق بدهد

توارثاً : از یکدیگر ارث میبرند رجعتُ : رجوع نمودم ارتجعتُ : برگشتم

بثلاثة أطهار : سه طهر بالمعتاد : به صورت متعارف الحدادُ : ترک زینت

الحاملُ : باردار أبعدَ الأجلین : طولانی ترین مدت يُنفقُ : نفقه بدهد

تعنّدُ : عده نگه میدارد تحریم : حرمت مُبَيِّنَة : آشکار

تؤذى : اذيت كند بلوغ الخبر : رسيدن خبر